



1

Vol. 9
Spring 2023
P.P: 73-102

Research Paper

Received:
23 March 2023
Accepted:
30 July 2023



State Studies of Contemporary Iran

The theory of the evolution process of the Islamic revolution; Patterns and features (From the formation of the revolution to the stage of civilizational development of the revolution)

Seyyed Mohammad Javad Ghorbi¹

Abstract

Revolution, as a political and social phenomenon in human societies, is a matter of stages and has different patterns, and according to the theoretical schools and historical foundations of each society, different stages are considered for the evolution of the revolution. Based on religious standards, the Islamic revolution is a civilization-building phenomenon, and for the formation of a civilization-building revolution, it is necessary to form different processes from the occurrence of the political revolution to the civilization-building stage in the society, so that the revolutionary mission of the society reaches the ideal goal of the revolution, which is the formation of a new civilization in the Islamic world. to achieve Based on theoretical studies, the evolutionary process of the Islamic revolution includes different stages that different thinkers and researchers point to different patterns based on their intellectual foundations and mental backgrounds. Considering the importance of the issue of the process of the evolutionary revolution of Islam, the present article tries to examine the different models proposed in the field of the processes of the revolution and to present a key approach in the theory of the process of the Islamic revolution. For this purpose, by using the qualitative method and library studies, an attempt is made to answer the question that the theory of the evolution process of the Islamic revolution will include what patterns and features?

Keywords: The evolution of the Islamic revolution; the process theory of the revolution; Islamic civilization; Islamic system; Islamic country

1. researcher of Islamic political thought, researcher of revolution history and political thought of Muslim thinkers, Tehran, Iran.
ghorbi68@yahoo.com



۱

سال نهم
بهار ۱۴۰۲
صص: ۷۳-۱۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۱/۰۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۵/۰۸



تحلیل و ارزیابی نظریه فرایندی تکامل انقلاب اسلامی ایران؛

الگوها و ویژگی‌ها

سید محمدجواد قربی^۱

چکیده

انقلاب به مثابه پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی در جوامع انسانی، امری مرحله‌ای و دارای الگوهای مختلف است و با توجه به مکاتب نظری و بسترهای تاریخی هر جامعه‌ای، مراحل مختلفی برای تکامل انقلاب مدنظر است. براساس موازین دینی، انقلاب اسلامی یک پدیده تمدن‌ساز است و برای شکل‌گیری یک انقلاب تمدن‌ساز، نیاز است فرایندهای مختلفی از وقوع انقلاب سیاسی تا مرحله تمدن‌سازی در جامعه شکل بگیرد تا رسالت انقلابی جامعه به غایت آرمانی انقلاب که همان شکل‌گیری تمدن نوین در جهان اسلام است، دست یابد. براساس مطالعات نظری، فرایند تکاملی انقلاب اسلامی شامل مراحل مختلفی می‌باشد که اندیشمندان مختلف براساس مبانی فکری و بسترهای ذهنی خویش، به الگوهای مختلفی اشاره می‌نمایند. مقاله حاضر با توجه به اهمیت مسئله فرایندی بودن انقلاب تکاملی اسلام، تلاش دارد الگوهای مختلف مطرح شده در زمینه فرایندهای انقلاب را مورد مذاقه قرار دهد و رویکرد شاخص در نظریه فرایندی انقلاب اسلامی را ارائه دهد. به همین منظور، با بهره‌گیری از روش کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای تلاش می‌شود به این سوال پاسخ داده شود که نظریه فرایندی تکامل انقلاب اسلامی شامل چه الگوها و ویژگی‌هایی خواهد بود؟ مفروض مقاله به این قرار است که تکامل انقلاب اسلامی یک فرایند است که عبور از مراحل مختلف چندگانه منجر به تحصیل غایت تمدنی انقلاب خواهد شد. یافته‌ها نشان می‌دهند رویکرد شاخص نظریه فرایندی انقلاب در گفتمان انقلاب اسلامی شامل پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن نوین اسلامی است که به مثابه یک زنجیره منطقی، منسجم و مستمر با یکدیگر ارتباط دارند.

کلیدواژه‌ها: تکامل انقلاب اسلامی، نظریه فرایندی انقلاب، الگوی مرحله‌ای توسعه انقلاب، تمدن اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، دولت اسلامی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه سیاسی متفکران مسلمان
ghorbi68@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی امری ناگهانی نبوده و تکامل انقلاب تمدنی نیازمند عبور از فرایندهای متنوعی است که همچون زنجیره منطقی و مستمری در ارتباط با یکدیگر هستند. به عبارتی، انقلاب در نظام سیاسی اسلام، صرفاً پدیده سیاسی نبوده که با تغییر در ماهیت نظام سیاسی به مقصود نهایی دست یابد؛ بلکه با توجه به رسالت تمدنی انقلاب اسلامی، مرحله سرنگونی رژیم سیاسی سابق، اولین گام در مسیر تحقق اهداف متعالی انقلاب است و تکامل این رویداد سیاسی، نیازمند طی کردن مراحل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اداری، اعتقادی-معنوی، نظامی و حتی تاثیر بر جهان اسلام است. لاجرم، زمانی از انقلاب اسلامی سخن به میان می‌آید، الگوی فرایندی مدنظر است، تکامل انقلاب در گرو موفقیت در مراحل چندگانه است. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، طی نمودن مراحل مختلفی است که اندیشمندان، متفکران و پژوهشگران مختلف در آثار خود به وجوه مختلفی از آن اشاره کرده‌اند. مذاقه در پژوهش‌های انجام شده در حوزه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد از الگوهای دو مرحله‌ای تا فرایند پنجگانه تکامل انقلاب اسلامی در پژوهش‌های منتشر شده قابل رویت است ولی تاکنون پژوهش منسجمی به بررسی آنها نپرداخته است. با توجه به خلاء پژوهشی در این زمینه، مقاله حاضر با کاربست مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی به این سوال پاسخ می‌دهد که: نظریه فرایندی تکامل انقلاب اسلامی شامل چه الگوها و ویژگی‌هایی خواهد بود؟ برای تبیین مسئله حاضر، با مراجعه به آثار مرتبط با تکامل انقلاب و فرایند متعالی انقلاب اسلامی تلاش خواهد کرد الگوهای چندگانه نظریه فرایندی را استخراج نماید و ویژگی‌های هر کدام از مراحل چندگانه را بررسی نماید.

۱. مرور پیشینه پژوهش

سید محمدجواد قربی در کتاب «فرایند تکاملی انقلاب؛ تبیین مراحل پنج‌گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی» به بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه انقلاب اسلامی می‌پردازد و پنج مرحله انقلاب تمدن‌ساز ایران را به صورت مبسوط بررسی کرده است. (قربی، ۱۴۰۱) در اثری مشابه، مهاجرنیا در کتاب «نظریه فرایندی انقلاب اسلامی» به بررسی مراحل انقلاب از منظر فلسفه

سیاسی می‌پردازد. (مهاجرنیا، ۱۴۰۱) عبدالاحدی مقدم در جلد دوم کتاب «راه مستقیم انقلاب» به بررسی فرایند تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و تلاش کرده مجموعه سخنرانی‌های ایشان در حوزه مراحل انقلاب را گردآوری نماید. (عبدالاحدی مقدم، ۱۳۹۱) جلال‌الدین فارسی در کتاب «انقلاب تکاملی اسلام» به روندهای تکامل انقلاب در نظام اسلامی اشاره می‌نماید. (فارسی، ۱۳۶۱) به غیر از آثار مطروحه، آثار متنوعی در زمینه نظریه انقلاب در اسلام منتشر شده است ولی تبیین نظریه فرایندی انقلاب اسلامی و رویکردهای مطرح در این زمینه تاکنون به صورت منسجم مورد بررسی و مذاقه علمی قرار نگرفته است.

جدول شماره ۱. ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/گان	عنوان	سال	محل نشر
۱	سید محمدجواد قربی	فرایند تکاملی انقلاب؛ تبیین مراحل پنج‌گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی	۱۴۰۱	جهاد دانشگاهی
۲	محسن مهاجرنیا	نظریه فرایندی انقلاب اسلامی	۱۴۰۱	اندیشکده طلوع مهر
۳	علی‌اکبر عبدالاحدی مقدم	راه مستقیم انقلاب	۱۳۹۱	انتشارات ولاء منتظر
۴	جلال‌الدین فارسی	انقلاب تکاملی اسلام	۱۳۶۱	مرکز انتشارات علمی و فرهنگی

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوعی کیفی بوده و تاکید بر توصیف جامع در زمینه نظریه‌های فرایندی انقلاب اسلامی دارد. با توجه به ماهیت سوالات و رویکرد مقاله حاضر، داده‌های مربوط به بررسی نظریه فرایندی انقلاب با تکنیک‌ها و روش تحلیل کیفی استخراج می‌شود و با استعانت از رویکرد مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای تلاش می‌شود رویکردهای مختلف نسبت به الگوهای فرایند تکامل انقلاب اسلامی استخراج شود. برای گردآوری داده‌های کیفی در مطالعه اسنادی از روش فیش برداری و رجوع به منابع دست اول و مرتبط با موضوع مقاله استفاده می‌شود.

۳. مبانی مفهومی

جک گلدستون^۱ تاکید دارد انقلاب هنگامی آغاز می‌شود که حکومتی که سابقاً تحت کنترل یک جامعه سیاسی حاکم قرار داشت، هدف ادعاهای مؤثر، رقیب و نفی‌کننده یکدیگر از سوی دو یا چند جامعه سیاسی مجزا قرار گیرد. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۸۱). برخی دیگر از متفکران نظیر تیلور^۲ باور دارد انقلاب یک مبارزه سازمان‌یافته توسط جامعه زیر سلطه علیه استبداد سیاسی است. (Taylor, 1987: P. 22) ساموئل هانتینگتون^۳ انقلاب را دگرگونی صریحی می‌داند که در اساس نظام سیاسی حاکم با خشونت رخ می‌دهد. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۸۵)

انقلاب به مفهوم مدرن آن اشاره به پایان عمر نظام سیاسی پیشین و حرکت مردمی به منظور جایگزینی آن با نظامی نوین است (شجاعیان، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۵). از آنجایی که انقلاب به تغییر اساسی در نهادها، برنامه‌های کاری و ماهیت کلی حکومت و نیز روابط آن با جامعه اطلاق می‌شود، نسبت به کودتا و دیگر اشکال غلبه بر حکومت‌ها، از قدرت دگرگونی عمیق‌تری برخوردار است (عیوضی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۱). توضیحات فوق نشان می‌دهد انقلاب به براندازی و جایگزین‌سازی حکومت اشاره می‌کند (هیوود، ۱۳۸۴: ۵۴۵) و منجر به تغییر ناگهانی در نظم اجتماعی، ناآرامی و تهاجم به ساختارها می‌شود (Yoder, 1926: P.433).

متفکران انقلاب اسلامی تاکید دارند انقلاب برای «برچیده شدن نظام ظلم» یا «قیام عمومی علیه حکومت جائر» صورت می‌گیرد (قریبی، ۱۴۰۱: ۲۶-۲۵). در تفاسیر قرآن کریم، پدیده انقلاب نوعی «احقاق حق» است (صدر، ۱۳۷۹: ۲۶۳-۲۶۲) ولی استبداد مترصد جلوگیری از هرگونه تفکر درباره قیام و انقلاب در جامعه تحت ستم می‌باشد؛ اما در برابر جریان استبدادی، مصلحان حقیقی به روشنگری پرداخته و به مردم تفهیم می‌کنند پیروزی حق بر باطل و شکست فرهنگ استکباری یک سنت تاریخی است و بدین طریق مردم را به تلاش در راه برپایی حکومت‌های الهی تشویق می‌کنند. یکی از وجوه این قیام علیه استبداد، انقلاب در مسیر احقاق حق و برپایی نظام عادلانه است. (فرقانی، ۱۳۸۳: ۸۸-۸۷) این رویکرد سیاسی با اصلاحات متمایز است و به معنای تغییرات بنیادی است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۴: ۱۱۳).

1. Jack Goldstone
2. Stan Taylor
3. Samuel Huntington

۴. نظریه فرایندی انقلاب

برخی از متفکران معتقدند روند روبه‌رشد، تکامل و تعالی انقلاب را می‌توان به دو دوره زمان‌بندی و تقسیم کرد؛

الف. قبل از پیروزی؛ دوره نفی، طرد، تخریب و انکار (دوره انقلاب آفرینی)؛

ب. پس از پیروزی؛ دوره اثبات، اصلاح و سازندگی (دوره استمرار انقلاب). (اسلامی، ۱۳۶۹: ۸)

یکی از رایج‌ترین و مشهورترین نظریات مراحل تکوینی انقلاب‌ها مربوط به کرین بریتون^۱ است (Brinton, 1965) و نظریه چرخشی انقلاب یا انقلاب ترمیدوری در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» به کار برده شد. (بریتون، ۱۳۶۶) وی پس از بررسی و مقایسه تحولات مهم انقلاب‌های فرانسه، روسیه، امریکا و انگلستان، نظریه مزبور را تبیین می‌کند و تأکید دارد انقلاب‌ها در سیر تحولات خود سه مرحله را پشت‌سر خواهند گذاشت: در مرحله اول پس از سرنگونی رژیم حاکم، نیروهای میانه‌رو بر مسند قدرت تکیه زده و حاکمیت را در دست می‌گیرند. در مرحله دوم پس از گذشت مدت کوتاهی از حکومت میانه‌روها به دلیل برآورده نکردن توقعات انقلابی مردم، این نیروها از مسند قدرت کنار زده شده و جای خود را به نیروهای رادیکال می‌دهد. مرحله سوم که مرحله ترمیدور یا دوران نقاوت پس از انقلاب نامیده می‌شود، دوران بازگشت به ارزش‌های رژیم پیشین و حذف رادیکال‌ها از عرصه قدرت است و به تعبیری دورانی است که انقلاب فرزندان خود را می‌خورد. (ابوطالبی، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷) «بعضی جامعه‌شناسان چنین نظریه‌ای داده‌اند که اصولاً هر جامعه‌ای یک سیر صعودی و یک سیر نزولی دارد و در نهایت، به انحطاط آن جامعه منتهی می‌شود تا از نو حرکت جدیدی در جامعه پدید بیاید و باز یک منحنی جدید صعودی رسم شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۹-۴)

در بین جامعه‌شناسان مسلمان، ابن‌خلدون دیدگاه مهمی در باب فراز و فرود دولت و تمدن‌ها ارائه کرده و در کتاب «مقدمه» به سیر تطور دولت‌ها توجه ویژه‌ای دارد. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶)

ابن‌خلدون در خلال بحث در باب عمر طبیعی دولت‌ها، حالات و مراحل دولت‌ها را نیز شرح می‌دهد. حالات و مراحل عارض بر دولت‌ها در همان چارچوب عمر طبیعی است، اما در اینجا بر نقش قدرت و نسبت آن با صاحب قدرت و تأسیس و زوال آن تأکید می‌شود. این مراحل و

1. Crane Brinton

حالات به شرح ذیل است؛ مرحله پیدایش و ظفر، مرحله انحصار قدرت، مرحله تجمل و فراغت، مرحله خرسندی، و مرحله اسراف و اضمحلال. (رفیع و عباس‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۱)

امام خمینی (ره) دیدگاهی ژرف‌انگر و رهیافتی حداکثری در مورد انقلاب داشتند و بر بعد اسلامی و معنوی قیام تأکیدی وافر داشتند. ایشان ضمن قائل شدن اهداف معنوی و مقاصد اسلامی برای نهضت‌های اسلامی، علت اصلی پیروزی انقلاب اسلامی را گرایش مردم به اسلام و ریشه‌دار بودن ارزش‌های اسلامی در درون جامعه می‌دانند. لیکن اسلامی بودن قیام به هیچ وجه از دیدگاه امام خمینی با پرداختن به مسائل مادی و رفاهی منافات ندارد. (دهشیری، ۱۳۷۷: ۸۳-۸۰). در تبیین مفهوم انقلاب در اندیشه امام (ره) باید اشاره کرد ایشان «در مرحله‌ی اول، طرح اسلام انقلابی و درگیری آن با برداشت‌های متجددمآبانه از دین را مطرح است. این درگیری معرفتی زمینه‌ساز آگاهی عمومی و شکل‌گیری یک انقلاب انسانی می‌شود. انقلاب انسانی مفهوم مرکزی و در عین حال پیچیده‌ی این تحلیل است که در عین داشتن زمینه‌های عینی اجتماعی به دست غیب الهی و در درون انسان‌ها انجام می‌پذیرد. انسان انقلابی در تمنای انقلاب اجتماعی به کنش‌های متمایزی دست می‌زند که منتهی به شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌شود.» (نامخواه، ۱۳۹۴: ۱۴۷) در جلد اول کتاب «راه مستقیم انقلاب» فرایند پنجگانه تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (ره) را شامل پنج مرحله زیر می‌داند^۱ که البته این دسته‌بندی و فرایندها برگرفته از الگوی سیر تکامل انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد:

(۱) انقلاب اسلامی،

(۲) نظام اسلامی،

(۳) دولت اسلامی،

(۴) کشور اسلامی.

(۵) دنیای اسلامی. (عبدالاحدی مقدم، ۱۳۹۱: فصل اول تا فصل پنجم)

سید محمدباقر صدر به انقلاب نه به عنوان مسئله‌ای تاریخی و جامعه‌شناختی، بلکه به مثابه مسئله‌ای فلسفی می‌نگرد و در این نگرش، انقلاب را ضرورتی سیاسی-اجتماعی می‌داند که با

۱. براساس مطالعات راقم این سطور، فرایند تکامل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی به قرار زیر است: (۱) توسعه اندیشه اسلامی در جامعه، (۲) انقلاب درونی و تحول روحی-معنوی جامعه، (۳) انقلاب سیاسی، (۴) انقلاب فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، (۵) انقلاب نهادی؛ ترمیم نهادهای گذشته و شکل‌گیری ساختارها و نهادهای نوین، (۶) شکل‌گیری جامعه و کشور اسلامی، (۷) صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، (۸) بسترسازی انقلاب جهانی و شکل‌گیری حکومت عدل مهدوی.

فراهم شدن شرایط خاص - یعنی پیدایش بحران در جامعه و بر هم خوردن تعادل نظام سیاسی - اجتماعی و فرهنگی آن - به وقوع می‌پیوندد. اما تحقق انقلاب در این شرایط، به عاملی بسیار مهم و اساسی بستگی دارد و آن، اراده انسان‌هاست؛ بدین معنا که انقلاب نه زائیده تاریخ و شرایط، بلکه زائیده اراده در شرایط خاص و بحرانی است. وقوع ارادی انقلاب، نیازمند عناصری چون آگاهی، مکتب و شناخت آن، رهبری و امکانات است و اراده به مثابه ستون بنیادین و پیونددهنده این عناصر دیده می‌شود. انقلاب بدین معنا در مکتب اسلام مورد توجه قرار گرفته و ضرورت و بایستی آن تأیید شده است. بر همین اساس، اسلام، وقوع انقلاب را در شرایط بحرانی که به سامان آوردن امور با اصلاحات و اقدامات روینایی و مقطعی ممکن نیست جایز می‌داند و به چگونگی و راهکارهای تحقق آن نیز در قالبی مطلوب و شایسته توجه کرده است. (جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۰۵) بررسی آثار صدر نشان می‌دهد فرایند انقلاب در یک جامعه نیازمند پیمودن مراحل زیر است: (۱) انقلاب روحی و معنوی در افراد جامعه، (۲) انقلاب سیاسی و تغییرات زیربنایی در ساختار حکومتی، و (۳) اصلاح ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه.

یکی از اولین دسته‌بندی و مفهوم‌پردازی‌ها پیرامون سیر تکامل انقلابی در اسلام، به پژوهش جلال‌الدین فارسی با عنوان «انقلاب تکاملی اسلام» مربوط است که به بررسی نظری تکامل انقلابی در اسلام پرداخته است. (فارسی، ۱۳۶۱) به اعتقاد وی، انقلاب دگرگونی به معنای عام و در چیزهای مختلف و در دو راستای مثبت و منفی، نیک و بد، کمال و پستی را افاده می‌کند. (فارسی، ۱۳۸۳: ۴۹۵) فارسی در کتاب انقلاب تکاملی اسلام به مراحل تکامل انقلابی اشاره می‌کند

و این مراحل هفت‌گانه عبارت‌اند از:

- (۱) انقلاب اعتقادی - اخلاقی،
- (۲) انقلاب سیاسی،
- (۳) انقلاب اقتصادی،
- (۴) انقلاب نظامی،
- (۵) انقلاب در مقامات اجتماعی و موقعیت اشخاص و طبقات،
- (۶) انقلاب در طرز تغییرات، و
- (۷) اصلاحات داخلی. (فارسی، ۱۳۶۱: ۳۴۲-۴۷)

محمدجواد باهنر در کتاب «مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی» به دو مرحله کلیدی در انقلاب اشاره می‌کند؛

مرحله شکست نظام سیاسی ظالم و استبدادی، و مرحله سازندگی. وی معتقد است؛ «در مرحله اول بت را شکستیم و خانه ظلم و استبداد را ویران کردیم. اما در مرحله سازندگی... انقلاب که بسیار پیچیده‌تر و حساس‌تر و خطرناک‌تر است و نیروی خیلی بیشتر لازم دارد.» (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۴۱-۲۴۰)

نکته راهبردی در اندیشه باهنر، تأکید بر ابعاد ملی و بین‌المللی انقلاب در عرصه سازندگی است و صرفاً به بخش استحکام انقلاب در داخل مرزهای سرزمینی توجه ندارد بلکه سازندگی را در وجه خارجی آن هم مورد تأکید قرار می‌دهد. از این رو، در مرحله سازندگی باید انقلاب را نشر داد و از دستاوردهای انقلاب در عرصه جهانی پاسداری کرد و ارزش‌های انقلابی را در سراسر بستر امت اسلامی گسترانید. (باهنر، ۱۳۸۷: ۶۶) مراحل تکامل انقلاب از دیدگاه باهنر عبارت است از؛

- (۱) تحول روحی و معنوی
- (۲) سرنگونی رژیم سیاسی فاسد (انقلاب سیاسی)
- (۳) انقلاب فرهنگی
- (۴) سازماندهی و سازندگی داخلی
- (۵) صدور انقلاب و طرح ارزش‌های نو در عرصه جهانی. (قربی، ۱۴۰۱: ۸۱-۷۹)

۵. فرایند تکاملی انقلاب؛ الگوها و رویکردها

پیرامون مسئله فرایند انقلاب اسلامی، الگوهای متفاوتی وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد و سه الگوی رایج را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

۵-۱. الگوی سه مرحله‌ای

«پیدایش، تغییرات، تکامل» نشان‌دهنده فرایند اتفاقات در وقوع و عاقبت انقلاب خواهد بود. این مراحل در نظریات سه مرحله‌ای سیر تکامل انقلاب به قرار زیر است؛

الف. پیدایش؛ پرداختن به مباحث مربوط به فرایند حوادث و وقایعی که به ظهور و بروز و آغاز انقلاب منجر می‌گردند و پیروزی انقلاب را تحقق می‌بخشند.

ب. تغییرات؛ بعد از مرحله پیدایش و تحقق انقلاب، حوادث و اتفاقاتی رخ می‌دهد که پشت‌سر گذراندن آن وقایع و عبور از آن، به تثبیت و پابرجایی انقلاب منجر می‌گردد.

پ. تکامل؛ انقلاب‌های بزرگ اجتماعی توقف‌ناپذیرند و حرکتی تکاملی و روبه‌رشد و همواره نگاهی روبه‌جلو و آینده‌دارند. با شناسایی وضعیت مطلوب انقلاب و تعریف آرمان‌ها و اهداف و ابزارهای رسیدن به آن هدف‌ها، روند تغییرات را باید به گونه‌ای مدیریت کرد تا انقلاب به کمال خود دست پیدا کند. البته کمال هم نقطه توقفی ندارد (کتابی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

سیر تکامل جامعه شیعی تا انقلاب اسلامی، سه دوره کلی را سپری کرده است که عبارت‌اند از؛ دوره محدودیت شیعه، دوره سلطنت شیعه و دوره حکومت اسلامی. (جمالی، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۲) بعد از مباحث تاریخ تکامل که در بالا ذکر شد، باید اشاره شود برخی اعتقاد دارند با توجه به تاریخ تکاملی مزبور، فرایند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. طرفداران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی جامعه ایران به رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

الف. مرحله ایجاد انقلاب اسلامی

اولین مرحله انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازای تاریخ تشیع دارد اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۱۳۴۲ شروع و در سال ۱۳۵۷ به سرانجام رسید.

ب. مرحله استقرار انقلاب اسلامی

مرحله دوم، یعنی استقرار انقلاب اسلامی، بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. اهمیت و ویژگی این مرحله در آن است که انقلاب اسلامی در صورت موفقیت در این مرحله، وارد مرحله توسعه و حرکت از جمهوری اسلامی به سوی تمدن اسلامی می‌گردد. با توجه به موقعیت تثبیت شده جمهوری اسلامی، می‌توان ادعا کرد مرحله استقرار انقلاب اسلامی با موفقیت پشت‌سر نهاده شده است.

پ. مرحله توسعه انقلاب اسلامی

هم‌اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله توسعه انقلاب نهاده و براساس یک برنامه بلندمدت درصدد توسعه انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان است. توسعه انقلاب اسلامی، به معنای فراگیری منطقه‌ای و بین‌المللی اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی است. اهمیت این مرحله از آن جهت است که در صورت موفقیت در این دوره، انقلاب اسلامی پای در انقلاب جهانی اسلامی و تمدن جهانی اسلامی مبتنی بر نگرش جهانی خواهد گذارد. (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲: ۶).

انقلاب اسلامی مراحل ابتدایی خود را با محوریت فقه سنتی هزار و چهارصد ساله شیعه آغاز کرد. اما در مراحل میانی، به جهت پیشامد مسائل و موضوعات جدید و عدم توانایی پاسخگویی فقه سنتی، فقه پویا (به معنای مثبت آن)، با نگرش بسط موضوعی و استفاده از علوم تخصصی پا به عرصه نهاد. در مراحل نهایی فرایندهای تکامل، نرم‌افزارهای پیشین جوابگو نیست؛ زیرا نگاه حاکم بر آن، نگاه فردی است. این در حالی است که مراحل نهایی فرایند تکاملی نیازمند فقهی نظام‌ساز است و نگاه حاکم در فقه نظام‌ساز، باید نگاه کلان، اجتماعی و حکومتی باشد که اصطلاحاً فقه حکومتی نامیده می‌شود. بدیهی است که مرحله سوم نسبت به مراحل دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است، چه اینکه کارآمدی و کارایی انقلاب اسلامی و حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شیعی، در این دوره ارزیابی خواهد شد. دیگر اینکه در دوره اول و دوم، هدف حرکت جامعه، به‌ویژه براساس هدایت‌ها و رهبری حضرت امام(ره) اولاً بسیط و ثانیاً شفاف و روشن بود. اما در دوره سوم این هدف ابعادی چندوجهی می‌یابد و به لحاظ پیچیدگی این ابعاد، از شفافیت و روشنی آن کاسته می‌شود که در نتیجه مسیر حرکت جامعه را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. حل این مشکلات نیز در سایه کشف قابلیت‌های جدید در منابع اسلامی امکان‌پذیر است. همچنین در مسیر حرکت روبه‌جلوی انقلاب اسلامی، بر سرعت، گسترده‌گی و نیز چرخش تغییرات افزون می‌شود و همین امر بر حجم مسائل پیش‌رو می‌افزاید. به لحاظ ساختاری نیز جامعه اسلامی در مرحله سوم، از مزیت نظام‌مند شدن فعالیت‌ها برخوردار می‌شود که در عین افزایش میزان بهره‌وری‌ها، به مسائل و آسیب‌هایی نیز منجر خواهد شد. از طرف دیگر، دشمنان انقلاب اسلامی به لحاظ شناخت گسترده‌تری که نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی به دست می‌آورند، فرصت بیشتری برای فعالیت‌های ریشه‌ای‌تر و نیز هماهنگ‌تر علیه انقلاب اسلامی می‌یابند. مهم‌تر

از همه اینکه، مرحله اول و دوم، درون مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی و در میان مردمان مؤمن و معتقد به نظام و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست، اما مرحله سوم، پای را از جغرافیای خودی فراتر نهاده و سطح منطقه و بین الملل را شامل خواهد شد. بالطبع مسائل و موضوعات جدیدی فرا راه خود خواهد یافت، که پیش تر به نظیر آن برخورد نکرده بود و بایستی درصدد پاسخگویی و اشباع آن‌ها برآید. (مشکانی سیزواری، ۱۳۹۵: ۸)

در راستای تبیین مراحل سه گانه انقلاب اسلامی، برخی از محققین ایرانی اعتقاد دارند که انقلاب‌ها سه مرحله تکوین، تخریب و سازندگی دارند که هر کدام از این مراحل دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های خاص خود هستند.

الف. مرحله تکوین

زمینه تولد انقلاب‌ها، شرایط غیرقابل تحمل زندگی یا کار است. هیچ انقلابی ناگهان پدید نمی‌آید، بلکه زمینه‌های آن بتدریج شکل می‌گیرد و در مسیر طولانی خود به مرحله انفجار می‌رسد؛ ابتدا نارضایتی از وضع موجود در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ... به وجود می‌آید، سپس آرمان جدید و روحیه انقلابی برگشت‌ناپذیر شکل می‌گیرد. این شرایط برای به وجود آمدن یک انقلاب کافی است، اما عوامل غیر محسوسی مانند نوع رهبری، ایدئولوژی انقلابی، شدت و ضعف نارضایتی از وضع موجود نیز در به وجود آمدن انقلاب‌ها مؤثر هستند. (بهرامی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۱)

ب. مرحله تخریب

پیشرفت یا عدم پیشرفت انقلاب به سه رکن اصلی یعنی مردم، رهبری و مکتب بستگی دارد. به عبارت دیگر، شرط لازم برای وقوع انقلاب، نارضایتی وسیع و عمیق مردم و شرط‌های کافی آن، رهبری، سازماندهی مردم و ایدئولوژی است. تخریب پایه‌های نظام و حکومت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همراه با خشونت و آماده کردن افراد برای پذیرفتن مسئولیت و ایجاد زمینه برای پذیرش عامه از طریق مشارکت عموم مردم امکان‌پذیر است.

پ. مرحله سازندگی؛

با پیروزی انقلاب، گام سازندگی که بسیار حساس تر و مشکل تر از مرحله پیش از پیروزی است، آغاز می‌شود. در این مرحله، انقلابیون با مشکلات گوناگون نظیر پذیرش مسئولیت‌های اجرایی نظام جدید سیاسی روبه‌رو می‌گردند. همچنین سقوط یک حکومت به منزله از میان رفتن کامل ماشین دولتی نیست و نیروهای انقلابی با بروکراسی به‌جامانده از رژیم قبلی مواجه هستند. به محض سقوط نظام سیاسی پیشین، درگیری‌های داخلی آغاز می‌شود؛ چراکه همه گروه‌هایی که در سقوط نظام پیشین شرکت داشته‌اند، می‌خواهند وضعیت موجود را به دلخواه تغییر دهند (بهرامی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۱).

یکی از ایرادهای نظریه سه‌وجهی مراحل انقلاب اسلامی از تکوین تا سازندگی، عدم توجه به قدرت و توانایی انقلاب در عرصه بین‌المللی و قابلیت تمدن‌سازی انقلاب‌ها است. به نظر می‌رسد برای تکمیل این سه بُعد از سیر انقلاب‌ها، باید مرحله بازتاب جهانی و مسئله تمدن‌سازی افزوده شود تا از حیث رویکرد اسلامی، انقلاب برای انسان‌ها ثمرات و نتایج جهانی داشته باشد و صرفاً به بعد ملی ختم نشود. از این‌رو، اشکال اساسی این سه مرحله، بی‌توجهی به قدرت‌نهادسازی بین‌المللی و رویکرد تمدنی انقلاب است. البته برخی از رویکردهای مربوط به توسعه انقلاب اسلامی، اشاراتی به رسالت اسلامی انقلاب نسبت به امت و جهان اسلام دارند ولی نظریه‌پردازی منسجمی نسبت به مقوله تمدن‌سازی نوین در جریان تکامل انقلاب اسلامی ندارند و صرفاً مسئله صدور اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب به کشورهای دیگر را مدنظر دارند.

۵-۲. الگوی چهار مرحله‌ای

در این الگو، فرایند انقلاب اسلامی نیز در چهار مرحله پیش‌بینی و طراحی شده است. مراحل و مقاطع این فرایند چهاروجهی عبارت‌اند از:

الف. مرحله انقلاب سیاسی

اولین مرحله در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نقطه آغاز آن، انقلاب سیاسی است. اصولاً هر انقلابی در مرحله اول، سیاسی است. وقتی در جامعه‌ای انقلاب رخ می‌دهد، ابتدا انقلاب در

ارزش‌ها واقع می‌شود و نظام و ساختار سیاسی جامعه پیشین از بین می‌رود و ادبیات جدیدی از ارزش‌ها، اهداف و تمایلات در آن جامعه مطرح می‌شود. این مرحله از انقلاب در واقع سیاسی است (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۲).

ب. مرحله انقلاب فرهنگی

اگر انقلابی بعد از انقلاب سیاسی خود، اقدام به انقلاب فرهنگی نکند و یا پس از اقدام، موفق بدان نشود، از آن انقلاب، جز پرچم و سرودش چیزی باقی نمی‌ماند. اگر انقلاب سیاسی توانایی تبدیل به انقلاب فرهنگی را نداشته باشد، ارزش‌ها و اهداف آن انقلاب از بین می‌رود، لذا می‌توان گفت گام دوم انقلاب برای وصول به تمدن اسلامی، انقلاب فرهنگی است که به مراتب از گام اول سخت‌تر است. انقلاب فرهنگی به معنای تولید فکر انقلاب، اندیشه و نرم‌افزاری است که انقلاب بر پایه آن شکل می‌گیرد و این نرم‌افزار مبانی و اهداف انقلاب را در عینیت جامعه جریان می‌بخشد.

پ. مرحله انقلاب اقتصادی

تحقق صحیح انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت. انقلاب اقتصادی و واکاوی زیرساخت‌ها و بنیان‌ها و نظام اقتصادی و هماهنگ‌سازی آن با نظام اقتصادی اسلام، از اولی‌ترین نیازهای اساسی برای رسیدن به تمدن اسلامی است. به عبارتی دیگر، رسیدن به اهداف انقلاب اقتصادی، زمینه وصول به تمدن اسلامی را بیش‌ازپیش فراهم خواهد کرد.

ت. مرحله ایجاد امت و تمدن اسلامی

مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، وصول به تمدن اسلامی است که هدف مهم نظام اسلامی نیز به شمار می‌رود. نظام جمهوری اسلامی، که هدف خود را وصول به تمدن اسلامی و الهی تعریف کرده است، دو مقطع از مراحل فوق را پشت‌سر گذاشته و هم‌اکنون در حال زمینه‌سازی و انجام مرحله سوم از مراحل پروسه وصول به تمدن اسلامی است (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۲).

در این رویکرد، مسئله نظام سازی و گام نهادن در عرصه کشور اسلامی مورد غفلت واقع شده است ولی نسبت به رویکرد سه مرحله‌ای، شباهت بیشتری با دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی دارد. البته مسئله تحول روحی به عنوان عامل اصل وقوع انقلاب اسلامی در این نظریه چهاروجهی مورد غفلت قرار گرفته است. متفکران انقلاب اسلامی همچون امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید صدر، شهید مطهری، شهید باهنر، شهید بهشتی و سایر اندیشمندان تاکید دارند تحول روحی و معنوی (انقلاب درونی یا انقلاب انسانی) لازمه آمادگی جامعه برای اصلاح وضعیت موجود و شکل‌گیری انقلاب سیاسی است که در الگوهای فرایندی چهار مرحله‌ای، این مسئله مورد اشاره قرار نگرفته است. علاوه بر این، مسئله انقلاب اداری و تحول در ساختارهای حکومتی و ترمیم نهادهای گذشته در الگوی چهاروجهی دیده نمی‌شود. این در حالی است که تحول اداری و اصلاح ساختارهای حاکمیتی یکی از ملزومات انقلاب اسلامی است که علاوه بر مواضع رهبران انقلاب اسلامی، سایر متفکران اسلامی بر این مسئله تاکید دارند که نمونه آن را می‌توان در افکار و اندیشه شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید مفتاح، شهید صدر و سایر متفکران مشاهده کرد.

۵-۳. الگوی پنج مرحله‌ای؛ رویکرد شاخص

مشهورترین الگوی پنج مرحله‌ای سیر تکامل انقلاب مربوط به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است که روند تعالی انقلاب اسلامی را در پنج مرحله مستمر و پیوسته ترسیم می‌کنند. (مهاجرنیا، ۱۴۰۱؛ عبدالحادی مقدم، ۱۳۹۱)

شماره ۲. پایش نظریات مراحل تکاملی انقلاب اسلامی در نظریات متفکران مسلمان

ردیف	مراحل انقلاب	فرایند سه مرحله‌ای	فرایند چهار مرحله‌ای	فرایند پنج مرحله‌ای
۱	مرحله ابتدایی	ایجاد انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب سیاسی	ایجاد انقلاب اسلامی
۲	مرحله میانی	استقرار انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب فرهنگی+ایجاد انقلاب اقتصادی	ایجاد نظام اسلامی+ایجاد دولت اسلامی+ایجاد کشور اسلامی
۳	مرحله نهایی	توسعه انقلاب اسلامی (ایجاد امت اسلامی)	ایجاد امت اسلامی و تمدن اسلامی	ایجاد امت واحده اسلامی و تمدن نوین اسلامی

(منبع: مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲: ۵۳)

براساس بیانات رهبر انقلاب اسلامی، تحقق اهداف انقلاب اسلامی نیازمند طی کردن فرایندهای مختلفی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۱) به اعتقاد ایشان، تکامل انقلاب یک حرکت منطقی از انقلاب تا تشکیل امت اسلامی است. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴) مراحل پنج‌گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی به قرار زیر است:

- (۱) انقلاب اسلامی،
- (۲) نظام اسلامی،
- (۳) دولت اسلامی،
- (۴) کشور اسلامی،
- (۵) امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی.

۵-۳-۱. انقلاب اسلامی

بررسی مواضع آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد انقلاب اسلامی به معنی تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی است که جامعه تلاش می‌نماید ارزش‌های مادی برآمده از فرهنگ الحادی و استبدادی مسلط بر جامعه را کنار نهاده و ارزش‌های متکی بر فرهنگ توحیدی را برمی‌گزیند. انقلاب اسلامی یک ضرورت طبیعی و تاریخی براساس سنت‌های الهی است که جامعه مومن با بهره‌گیری از سنت امداد الهی، به یاری دین خدا برخوانند خواست. با ظهور انقلاب اسلامی علاوه بر اثبات توانایی و کارآمدی دین در اداره حیات اجتماعی بشر، یک تجربه ملموس و طرح عملی برای اداره زندگی بشر بر مبنای عدالت و معنویت فراروی بشریت قرار گرفت (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۶). براساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی حرکتی مستمر، بالنده، پیش‌رونده و رو به کمال با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی است که از جمهوری اسلامی جدا نبوده و بین این دو رابطه همزیستی از نوع روح و جسم وجود دارد. بدین معنا انقلاب اسلامی با پیروزی پایان نمی‌یابد بلکه مثل روح در کالبد نظام جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد (محمدی، ۱۳۹۶: ۴۷). آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مفهوم انقلاب اسلامی اشاره می‌نماید:

«انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اولین مرحله دگرگونی سیاسی در جامعه است و لازمه هرگونه تغییر و تحول در جامعه و ایجاد ساختار و نهادهای جدید برای اصلاح امور، نیازمند انقلاب است: «قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱) این مرحله به معمای دگرگونی بنیادین در جامعه است که تحقق آن نیازمند تحمل چالش‌ها و آسیب‌های مختلف است. البته هرگونه تحول یا شورشی را نمی‌توان انقلاب دانست و با مفروض دانستن تغییر بنیادین به عنوان یک شاخصه راهبردی انقلاب، برچیده شدن نظام سیاسی مستقر و جایگزینی نظام جدید مدنظر می‌باشد:

«انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زور آزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال این‌ها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۵-۳-۲. نظام اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد «انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) بنابراین، ایشان باور دارد نظام اسلامی زمانی شروع به شکل‌گیری می‌نماید که ملت علیه رژیم مستقر به فعالیت سیاسی بپردازد و نظامی مردمی را مستقر سازد. در این شرایط، تلاش عمومی ملت، رهایی از استبداد فراگیر و حاکم ساختن اراده ملت بر سرنوشت سیاسی است؛ این الگوی سیاسی، در تقابل با اندیشه سلطنت قرار دارد. فرایند نظام‌سازی تلاش دارد تا روح حاکم بر

نظام سیاسی را به گونه‌ای انتخاب کند که نظامی مستقل در برابر استکبار و حامی ملت باشد. در این مسیر، مصلحت‌گرایی از شاخصه‌های نظام اسلامی است و ملت باید در انتخابات‌ها و گزینش نمایندگان ملت به این نکته توجه داشته باشد. لاجرم، مصالح ملی در اولویت نظام است و منافع قدرت‌های خارجی تأمین نخواهد شد. تأکید بر نظام‌سازی اسلامی نشان می‌دهد که شکل‌گیری نظام سیاسی دینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نیازمند برون‌رفت از مشکلات ساختاری، رفتاری و اعتقادی است؛ زیرا نظام اسلامی امری پیش‌ساخته نیست بلکه باید آن را مهیا ساخت و به فراخور مقتضیات زمانه، بخش‌های مختلف آن را برای سعادت جامعه طرح‌ریزی و اجرایی کرد. بنابراین از مرحله تصمیم‌گیری استقرار نظام اسلامی تا استقرار کامل این نظام سیاسی منبعث از اسلام، زمان نیاز است و نمی‌توان ادعای استقرار نظام اسلامی در فاصله زمانی اندک را داشت. (قربی، ۱۴۰۱: ۳۲۹-۳۲۷)

اسلامی شدن نظام سیاسی صرفاً به معنای تغییر شکلی نظام نیست بلکه محتوای نظام سیاسی لازم است اسلامی شود و این مهم در گرو تغییر ماهیت زندگی مردم و سبک زندگی کارگزاران نظام سیاسی است. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای هیئت دولت در هشتم شهریور ۱۳۸۴ بیان کردند:

«نظام اسلامی یعنی چه؟ یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت - قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضائیه و دیگر ارکان - چیده شد و قانون اساسی آمد همه‌ی این‌ها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت. این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

۳-۳-۵. دولت اسلامی

بعد از اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه در مرحله دوم تکامل انقلاب، نوبت به شکل‌گیری دولت اسلامی می‌رسد و همانطور که رهبر انقلاب اسلامی در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی اشاره کرده‌اند: «نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی که از این‌ها دشوارتر است، ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این

نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل تر از مراحل قبلی است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱) ایشان در تبیین مفهومی دولت اسلامی بیان می‌نمایند:

«دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

براساس منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی، دولت اسلامی متشکل از مجموعه نهادها و کارگزاران و نه صرفاً قوه مجریه است و آنچه عملاً دولت را متصف به اسلامی بودن یا نبودن آن می‌نماید، عملکرد و جهت‌گیری اسلامی می‌باشد. سازه فکری در روند تحقق دولت اسلامی، شریعت مقدس اسلام است که مفسر وظایف، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و اهداف حاکم بر دولت اسلامی می‌باشد. حکمرانی موفق رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) در دولت نبوی و علوی، الگوی آرمانی تحقق دولت اسلامی در بافت نظام جمهوری اسلامی است. مردم، کارگزاران و نهادها از ارکان اصلی دولت اسلامی هستند که بدون همراهی آنها عملاً امکان تحقق دولت اسلامی وجود ندارد. مردم در نظام اسلامی نقش تعیین‌کننده داشته و رای و انتخاب آنها به مثابه امانت الهی است و صیانت از آن، واجب شرعی است. سلامت اعتقادی، اخلاقی و رفتار اسلامی کارگزاران و نهادها، سنجه و تراز دولت اسلامی خواهد بود.» (محمدی و نادری، ۱۳۹۷: ۶۲) در بخشی از فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی آمده است:

«بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی اگر هستند سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

با این اوصاف، از جمله وظایف دولت اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی نیز اجرای قانون الهی، قانونمند بودن، همکاری و تعاملی، هدایتی و نظارتی، خدمتگزاری دین‌مدارانه است و در اندیشه سیاسی اسلام، دولت اسلامی نیز وکیل و امانت‌دار مردم است که بایستی باورهای دینی را گسترش دهد و منافع مردم را تأمین نماید. البته هم ملت دارای یک مجموعه حقوق و وظایفی در مقابل دولت و حکومت است و هم حکومت دارای یک سری حقوق و وظایفی در راستای اجرای وظایف خود برخوردار است. (میری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۷۰)

۴-۳-۵. کشور اسلامی

مرحله چهارم سیر تکامل نهضت اسلامی، کشور اسلامی است که بعد از استقرار دولت اسلامی و به تعبیر دیگر، اسلامی شدن حقیقی دولت به وجود می‌آید. به تعبیری، اسلامی عمل کردن دستگاه حاکمه کشور لازمه شکل‌گیری کشور اسلامی و گام نهادن در حلقه چهارم تکامل انقلاب اسلامی است: «دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست. برای اینکه آن مقصود یعنی کشور اسلامی به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه‌ی کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)

مراد از کشور اسلامی، کشوری است که اسلام در تمامی تاروپودهای آن تنیده شده است و تمامی رفتار و کنش کارگزاران، تصمیمات راهبردی در سیاست داخلی و خارجی، تعاملات سیاسی و اجتماعی، سیاستگذاری عمومی و حکمرانی تحت‌تأثیر اسلام خواهد بود و معیار و ضوابط کشور را ارزش‌های اسلامی مشخص می‌کند. کشور اسلامی مبتنی بر تعالیم اسلامی است که در مسیر تکامل خود بعد از انقلاب اسلامی، نیازمند تحقق نظام اسلامی و دولت اسلامی است که هر کدام از این بخش‌ها، ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارند. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای آمده است:

«کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک آفرین، اسلام بدون کج اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می آورد؛ رفاه اقتصادی هم می آورد؛ فضایل اخلاقی هم می آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود.» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)

ایشان در جایی دیگر اشاره می نمایند: «کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک آفرین، اسلام بدون کج اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسانها، و اسلام هدایت کننده‌ی انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می آورد؛ رفاه اقتصادی هم می آورد؛ فضایل اخلاقی هم می آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود.» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)

۵-۳-۵. تمدن نوین و امت اسلامی

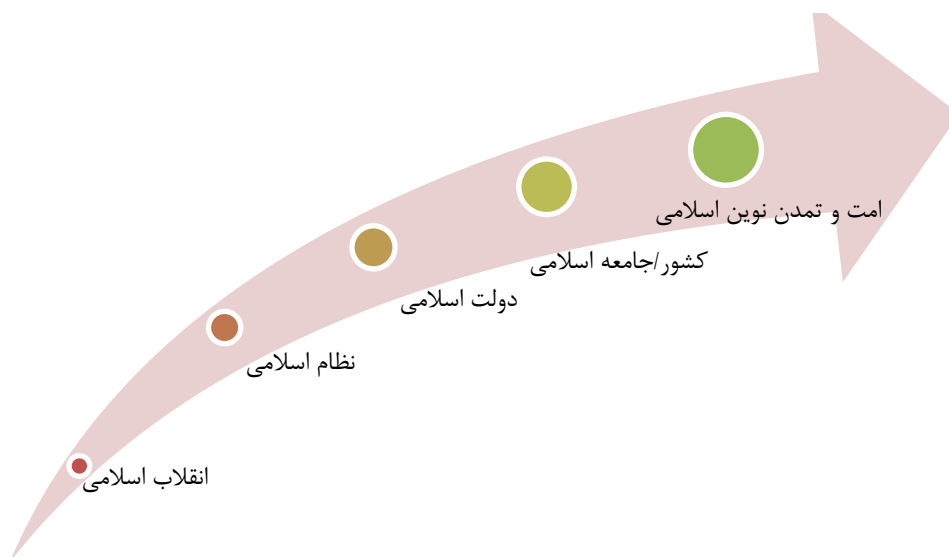
رهبر انقلاب اسلامی در زمینه مرحله پنجم تکامل انقلاب اسلامی اشاره می نماید: «وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. این‌ها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸) ایشان همچنین از تمدن اسلامی به عنوان آرمان انقلاب اسلامی یاد می نمایند و تاکید دارند این الگوی تمدن آرمانی در نهضت اسلامی ملت ایران، تاکید بر پیشرفت توأمان مادی و معنوی امت اسلامی دارد. به تعبیر ایشان؛

«آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه‌ای ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲)

مرحله پنجم تکامل انقلاب اسلامی نشان دهنده این مسئله است که محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت مداوم و حکومت مردمی از شاخصه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی است. گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه‌های قوی و روابط بین‌الملل به وجود می‌آید. (اکبری و رضائی، ۱۳۹۴: ۸۵) تمدن نوین اسلامی بر مبنای پیشران‌های تربیتی و فرهنگی، بر هم‌افزایی توان داخلی و اصلاح و بهبود حوزه‌های سیاست‌ورزی و فرهنگ مردم جامعه استوار است. بر مبنای ایده تمدن نوین اسلامی، تمدن‌های معاصر دارای نقاط ضعف اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای هستند که مطلوبیتی برای جهان معاصر و به طور مشخص جوامع اسلامی ندارند. بر همین اساس، تمدن نوین اسلامی با اهمیت دادن به اصلاح رویه‌های تربیتی و فرهنگی به ترویج الگوی معنوی، رفتار و عمل جهادی، تربیت نیروهای متخصص، متعهد و ترویج سبک زندگی اسلامی، پیشران‌های لازم را مورد توجه قرار داده است. (نرمانی و همکارانی، ۱۴۰۰: ۵۷) مطالب فوق نشان می‌دهند تمدن نوین اسلامی به عنوان غایت انقلاب اسلامی، اشاره به اصلاح سبک زندگی و ارائه الگوی زیست اسلامی به امت اسلامی است. اصلاح سبک زندگی لازمه کسب منافع مادی و معنوی در جامعه خواهد بود و می‌تواند امنیت، آرامش، رفاه و آسایش را برای امت اسلامی به ارمغان بیاورد:

«اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که

ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)



شکل شماره ۱. الگوی فرایند پنج‌گانه تکامل انقلاب اسلامی (یافته‌های نگارنده)

۶. زنجیره منطقی و مستمر فرایند تکامل تمدنی انقلاب اسلامی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، سیر تکاملی انقلاب اسلامی و تحقق انقلاب متعالیه امری طولانی و پیوسته است و نمی‌توان به صورت آنی و سریع انتظار تکامل انقلاب را داشت؛ بلکه این سیر تکامل نیازمند صبوری، پشتکار، تلاش و تحمل مصائب فراوانی است و تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی نیازمند پیمودن یک فرایند و حرکت پلکانی از گام

ابتدایی تا گام نهایی است. به اعتقاد ایشان، این حرکت آهسته و پیوسته به سوی برپایی نظام اسلامی، نیازمند استقامت امت اسلامی در مسیر صحیح است؛

«فرایند تحقّق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می شود. نمی شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود پردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهت گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از اینکه به ما بگویند خطا کرده اید، بدمان نیاید.» (بیانات آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

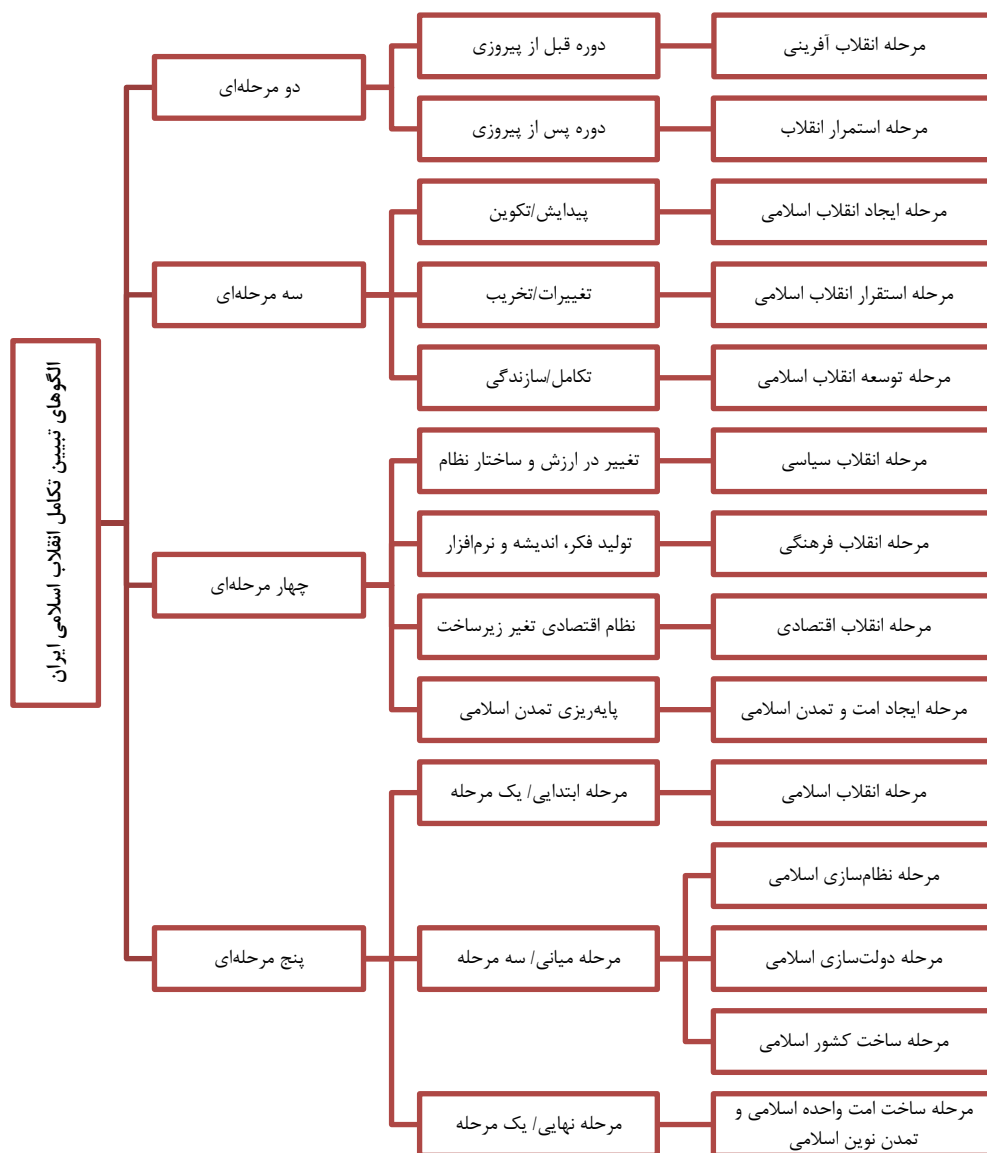
لاجرم، تکامل انقلاب اسلامی و تحقق اهداف نهضت اسلامی با مختصات فوق، نیازمند یک فرایند طولانی است و به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی؛ «فرایند تحقّق هدف های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است؛ به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می شود؛ اما تحقّق آن ها، بسیار طولانی است.» (بیانات آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱) آیت الله خامنه ای معتقد هستند که وقوع انقلاب اسلامی در بدو امر نمی تواند نمایانگر تحقق تمامی آرمان ها و اهداف ترسیم شده باشد بلکه با عنصر «تلاش»، «حرکت صادقانه مردم» و «رهبری پیش برنده و صحیح» می توان به سمت وسوی ایجاد جهانی نوین گام نهاد که دارای ساختاری اسلامی خواهد بود. (قربی، ۱۴۰۱: ۱۱۲)

انقلاب اسلامی صرفاً ناظر بر نهضت انقلابی نیست بلکه مجموعه ای از تحولات و روندهای تکاملی برای رسیدن به اهداف و آرمان های متعالی است. از این رو، انقلاب صرفاً به تحولات دگرگونی در نظام سیاسی پیشین و جایگزینی نظام جدید نیست بلکه مجموعه انقلاب، مراحل مختلفی را شامل می شود؛ «انقلاب را نباید محدود کرد به حوادث انقلابی مثلاً آغاز انقلاب و شروع انقلاب و روزهای پیروزی انقلاب؛ آن ها یک بخشی از انقلاب است. شاید اگر چنانچه کسی معنای انقلاب را درست ملاحظه کند، می بیند حرکت انقلابی و نهضت انقلابی یک بخش کوچکی از مجموعه انقلاب است.» (بیانات آیت الله خامنه ای،

۱۳۹۴/۰۶/۲۵) از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فرایند انقلاب اسلامی مبتنی بر یک زنجیره منطقی، مستمر و مرتبط است که بین مراحل مختلف می‌توان این پیوند را مشاهده کرد؛ «یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

مراحل انقلاب اسلامی در فرایند پنج‌گانه به گونه‌ای هستند که اتمام هر مرحله، پایان کار انقلاب متعالی محسوب نمی‌شود بلکه سرآغاز مرحله بعدی است؛ از این رو، هرگاه ملتی در هر یک از مراحل پنج‌گانه توقف کند، وارد مرحله سکون می‌شود و هدف نهایی انقلاب تحقق نخواهد یافت لذا در نظام سیاسی امام-امت باید تلاش شود کارگزاران و امت همواره احساس تکلیف داشته باشند تا مرحله-مرحله به سمت فرجام انقلاب گام بردارند. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص اشاره می‌کند که زنجیره انقلاب اسلامی توقف ندارد و پیگیری اهداف توسط ملت باید همواره در فواصل زمانی و شرایط مختلف مورد توجه باشد. از این رو، ملتی که پیگیر مطالبات انقلابی خود در مراحل مختلف می‌باشد، «ملتی زنده» است که برای عبور از مراحل انقلاب متعالی اسلام دارای قاطعیت است. (قربی، ۱۴۰۱: ۱۱۵-۱۱۴)

بنابراین، بین مراحل مختلف انقلاب تکاملی و متعالی اسلام، نظم و ارتباطی منطقی وجود دارد که همانند رشته‌های یک زنجیر به هم مرتبط هستند و برای گام نهادن به مرحله بعدی، تکامل مرحله قبلی لازم است و این مسئله، منطقی بودن اهداف انقلاب اسلامی و سیر تکاملی آن را به خوبی نمایان می‌سازد. رهبر انقلاب اسلامی به امت اسلامی توصیه می‌کند که مراحل انقلاب اسلامی را به صورت مستمر پیگیری کنند و اجازه ندهند بین مراحل تکاملی انقلاب، وقفه ایجاد شود.



شکل شماره ۲. الگوی نظریه‌های تبیینی فرایندی تکامل انقلاب اسلامی ایران (یافته‌های نگارنده)

نتیجه گیری

مقاله حاضر تلاشی برای تبیین الگوها و ویژگی‌ها نظریه فرایندی تکامل انقلاب بوده و یافته‌ها نشان می‌دهند پدیده انقلاب صرفاً یک پدیده سیاسی نبوده و تکامل آن در گرو تکامل مراحل مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است و غایت آرمانهای انقلاب اسلامی، تمدن‌سازی است و رهبر انقلاب اسلامی تاکید دارد که انقلاب تمدنی اسلامی بعد از وقوع انقلاب اسلامی، مراحل مختلفی را طی می‌نماید تا بسترهای شکل‌گیری امت واحده اسلامی و تمدن نوین فراهم شود. برخی از محققان و نظریه‌پردازان حوزه انقلاب اسلامی، از وقوع انقلاب تا فرایند تکامل انقلاب را دو مرحله‌ای و برخی سه‌الی پنج مرحله‌ای می‌دانند. نظریه‌پردازانی که بر رویکرد دو مرحله‌ای تاکید دارند، صرفاً مقوله‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب را مدنظر دارند و تاکید بر جایگزینی نظام سیاسی جدید به جای رژیم فاسد قبلی است و در رویکرد سه مرحله‌ای نیز «پیدایش، تغییرات و تکامل» مدنظر است. در این رویکرد، علاوه بر مرحله ایجاد انقلاب اسلامی بر دو مرحله استقرار انقلاب و توسعه انقلاب اسلامی تاکید می‌شود. مذاقه در رویکرد سه مرحله‌ای ناظر بر هندسه تکوین، تخریب و سازندگی است. در رویکرد چهار مرحله‌ای، بعد از مرحله انقلاب سیاسی به مراحل انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی و مرحله ایجاد امت و تمدن اسلامی اشاره شده است. در این رویکرد، مبحث تحول روحی و انقلاب اداری مغفول مانده است. بعد از بررسی رویکردهای سه‌گانه فوق مشخص می‌شود یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین رویکردها نسبت به تبیین فرایند انقلاب اسلامی، دیدگاه تکامل پنج‌گانه تکامل انقلاب اسلامی است که مطابق دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی است. در این رویکرد، یک زنجیره منطقی و منسجم بین مراحل انقلاب اسلامی وجود دارد و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره دارد تکامل انقلاب نه تنها یک پدیده سریع و دفعی نیست بلکه امری زمان‌بر و طولانی است که گذار به مرحله بعدی، نیازمند موفقیت در مرحله قبلی است. به عبارتی، دولت اسلامی برای تحقق نیاز دارد نظام اسلامی شکل بگیرد و یا کشور اسلامی برای شکل‌گیری نیاز دارد مرحله دولت‌سازی اسلامی شکل بگیرد. از این رو، تمدن نوین اسلامی به مثابه غایت تمدنی انقلاب اسلامی ایران نیاز دارد چهار مرحله قبلی به خوبی اجرایی شده باشد. بین مراحل تکامل انقلاب تمدنی اسلام، نظامی فراگیر وجود دارد که دولت و ملت با همکاری و

انسجام یکدیگر می‌توانند به مراحل بعدی گام بنهند. در نهایت باید اشاره شود طبق الگوی پنج مرحله‌ای تکامل انقلاب، انقلاب اسلامی ایران این‌گونه به اهداف خویش دست پیدا خواهد کرد: اول) تحولات عمیق اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی در جامعه در راستای حرکت انقلابی برای سرنگونی نظام مرتجع و ایجاد نظام سیاسی جدید، دوم) پیاده‌سازی شکل کلی اسلامی در جامعه و استقرار نظام تقوایی، سوم) ایجاد سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، چهارم) اسلامی عمل کردن دستگاه حاکمه کشور، و پنجم) اصلاح سبک زندگی و ایجاد تمدنی نوین برای امت واحده اسلامی. این مراحل نشان از مرحله سازندگی و توسعه انقلاب اسلامی در بُعد داخلی و خارجی دارد که در بُعد داخلی، تکوین و سازندگی مدنظر است و در بُعد خارجی نیز توسعه فرهنگ، ارزش‌ها و معارف انقلاب اسلامی برای امت و کشورهای اسلامی حائز اهمیت است.

فهرست منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۶)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۶)، «ترمیدور»، مجله معارف، بهمن، شماره ۵۳، صص ۲۷-۲۶.
- اسلامی، احمد. (۱۳۸۶)، «روند تکاملی انقلاب و استراتژی قدرت»، فصلنامه دانشگاه انقلاب، بهمن و اسفند، شماره ۸۲ و ۸۳، صص ۸-۱۷.
- اکبری، مرتضی؛ رضائی، فریدون. (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، بهار، شماره ۵، صص ۱۰۸-۸۵.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹): بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴): بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱): بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲): بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۴.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴): بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۵.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۴): بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰): بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰): بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۸۷): مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران: نشر شاهد.
- بریتون، کرین. (۱۳۶۶)، کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات زریاب.
- بهرامی، قدرت الله. (۱۳۸۵)، انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۴): استمرار انقلاب به کدام روایت؟، قم: انتشارات تمدن نوین اسلامی.
- جمشیدی، محمد حسین؛ ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۱): «نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر»، مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۲۹، صص ۱۰۸-۷۷.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴): گام بلند: گزیده بیانات مقام معظم رهبری در مراحل فرآیند تحقق اهداف اسلامی، قم: انتشارات وثوق.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۷). «نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، حضور، زمستان، شماره ۲۶، صص ۴۴-۸۳.

- رفیع، حسین؛ و عباس زاده، مجید. (۱۳۹۴)، «بررسی ماهیت و فراز و فرود دولت در اندیشه ابن خلدون»، علوم سیاسی، دوره یازدهم، تابستان، شماره ۳۱، صص ۱۵۹-۱۸۸.
- زمزم، علیرضا. (۱۳۸۱)، «انقلاب و انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید محمد جواد باهنر»، اندیشه انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- شجاعیان، محمد. (۱۳۸۲)، «انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شفیعی، احمد. (۱۳۸۵)، «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، حصون، بهار، شماره ۷، صص ۷-۳۲.
- صدر، سیدرضا. (۱۳۷۹)، «تفسیر سوره حجرات، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عبدالاحدی مقدم، علی اکبر. (۱۳۹۱)، «راه مستقیم انقلاب: فرایند پنجگانه تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر حضرت امام خامنه‌ای، جلد ۲، قم: انتشارات ولا منتظر (عج).
- عبدالاحدی مقدم، علی اکبر. (۱۳۹۱)، «راه مستقیم انقلاب: فرایند پنجگانه تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (ره)، جلد ۱، قم: انتشارات ولا منتظر (عج).
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۴)، «انقلاب اسلامی و ریشه‌های تاریخی آن»، تهران: پیام نور.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۱): «انقلاب تکاملی اسلام»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۸۳): «آزادی و سیر تقرب خدا»، تهران: نشر سروش.
- فرقانی، قدرت‌الله. (۱۳۸۳)، «استکبارستیزی در قرآن»، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۱)، «فرایند تکاملی انقلاب: تبیین مراحل پنج‌گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی»، ساری: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کتابی، محمدرضا. (۱۳۸۹)، «انقلاب در نمایی نو؛ ارائه مدلی تحلیلی برای انقلاب اسلامی»، سوره اندیشه، بهمن و اسفند، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۱۳۶-۱۲۹.
- گلدستون، جک. (۱۳۸۵)، «مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- محمدی الموتی، محسن. (۱۳۹۶)، «چیستی انقلاب اسلامی و نسبت سنجی آن با جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای»، اندیشنامه ولایت، دوره سوم، تابستان، شماره ۵، صص ۶۹-۴۷.
- محمدی، خدیجه؛ نادری، مهدی. (۱۳۹۷)، «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای»، رهیافت انقلاب اسلامی، بهار، شماره ۴۲، صص ۸۹-۶۲.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۲)، «جایگاه امت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، پاییز، شماره ۳۳، صص ۶۴-۴۹.

- مشکانی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۲)، «درآمدی بر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، روزنامه کیهان، هفتم مهر، شماره ۲۰۶۰۳.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۵): «نقش فقه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی»، روزنامه کیهان، بیست‌ویکم بهمن.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴)، «نعمت انقلاب اسلامی»، معرفت، بهمن، شماره ۹۸، صص ۹-۴.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مهاجرنیا، محسن. (۱۴۰۱)، نظریه فرایندی انقلاب اسلامی، قم: اندیشکده مطالعات انقلاب اسلامی طلوع مهر.
- میری، سیدمجتبی؛ و همکاران (۱۴۰۱)، «بررسی رابطه دولت و ملت در الگوی اسلامی از دیدگاه امام خمینی و امام خامنه‌ای»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، زمستان، شماره ۱۱، صص ۱۶۷۰-۱۶۸۸.
- نامخواه، مجتبی. (۱۳۹۴)، «نظریه انقلاب امام خمینی (ره)»، اندیشه سیاسی در اسلام، دوره دوم، پاییز، شماره ۵، صص ۱۷۶-۱۴۷.
- نرمانی، حسن؛ و همکاران (۱۴۰۰): «پیشران‌های تربیتی و فرهنگی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، آینده‌پژوهی ایران، بهار و تابستان، شماره ۱، صص ۵۷-۷۶.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تحول، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- هیوود، اندرو. (۱۳۸۴)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: قومس.

Brinton, Crane. (1965), **The anatomy of revolution**, New York: Vintage Books.
Taylor, Stan. (1987), **Social Science and revolution**, New York: St. Martins press.
Yoder, Dale. (1926), "Current Definitions of Revolution", **American Journal of Sociology**, Volume. 32, Number. 3, November.

